

«روابط دیوان بین‌المللی کیفری و سازمان ملل متحد»*

نوشته: ارنلا پورچیا

ترجمه: دکتر ابراهیم بیگ‌زاده

مقدمه

روابط دیوان کیفری بین‌المللی با سازمان ملل متحد هسته اصلی^۱ برای درک گستره و کارآیی این نهاد جدید می‌باشد.^۲

* مقاله حاضر تحت عنوان:

“Les relations entre la cour pénale internationale et l’organisation des Nations Unies”
از کتاب “la Justice pénale internationale entre passé et avenir” که تحت نظر “Mario Chiavario”
در سال ۲۰۰۳ توسط انتشارات Dalloz و Giuffrè به زیور طبع آراسته شده است، انتخاب و ترجمه شده
است.

۱. این مسأله در طول مذاکرات توسط دکترین مطرح شده بود. رجوع شود به:

SiDi, “Cooperazione fra Stati e giustizia penale internazionale”, Napoli, 1999.

U. Leanza, “The Rome conference on the establishment of international Criminal Court: a
fundamental step in the strengthening of international criminal law in Essays on the Rome Statute
of the International Criminal Court”, sous la direction de F. Lattanzi et W. Schabas, Napoli,
1999, 9, sp. 13.

۲. نمی‌توان در اینجا ابتکارات و تلاشهای سازمان ملل متحد برای ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری را مطرح
نمود. فقط باید یادآوری کرد که در جریان نخستین بحث‌ها، ایجاد دیوانی در درون نظام ملل متحد مطرح
شده بود. برای ملاحظه این بحث‌ها رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, “Relationship with UN”, in “The Rome statute of the ICC”, sous
la dir. A. Cassese. P. Gaeta, J.R.W.D. Jones, Oxford, 2002, 219.

F. Mosconi N. Paris: “Cooperation between ICC and states parties” in: The ICC. Comments on
the draft statute, F. Cattanzi, Napoli, 1998, 15, nt. 12.

پیشگفتار اساسنامه، اراده دولت‌ها را برای تشکیل یک دیوان بین‌المللی کیفری دائمی و مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد،^۳ که دارای صلاحیت رسیدگی به شدیدترین جنایاتی که جامعه بین‌المللی را متأثر می‌کند، اعلام می‌دارد. شماری از مواد اساسنامه دیوان به نظام ملل متحد اشاره دارند، اما توجه خاص در واقع به نقش شورای امنیت در عملکرد دیوان است.^۴

قبل از مسائلی که ممکن است مطرح شوند، باید نقش و صلاحیت‌های دیوان و شورای امنیت را یادآوری نمود.^۵ بدیهی است که دیوان یک رکن

^۳ اشاره به ماده ۴ اساسنامه دارد که برای دیوان قائل به شخصیت حقوقی است. به طور کلی در مورد رابطه دیوان با نظام ملل متحد رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Relationship with the United Nations in the Rome Statute of the International Criminal Court", sous la direction de A. Cassese, P. Gaeta, J.R.W.D. Jones, Oxford 2002, 219. Egalement sur le point, F. Mosconi – N. Parisi, "Co-operation between International Criminal Court and States Parties, in The International Criminal Court. Comments on the Draft Statute", sous la direction de F. Lattanzi, Napoli, 1998, 315, nt. 12.

^۴ باید یادآوری نمود که طبق ماده ۲ اساسنامه، رابطه دیوان با سازمان ملل متحد مبتنی بر موافقتنامه‌ای است که از سوی رییس دیوان و به نام آن رکن منعقد و توسط مجمع دولتهای عضو تصویب می‌شود. در این مورد رجوع شود به پیش‌نویس موافقتنامه مربوط به روابط دیوان و سازمان ملل متحد که توسط کمیسیون مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری تهیه شده (PNICC/2001/1) و توسط مجمع دولتهای عضو در جریان اولین اجلاس خود (نیویورک ۱۰-۳ سپتامبر ۲۰۰۲) تصویب شده است. در مورد ماهیت روند انعقاد این موافقتنامه، به طور خاص، رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Relationship", précité, 219. Egalement sur la particularité de l'accord, P. Mori, "L'institutionnalizzazione della giurisdizione penale", précité, 141.

^۵ برای ملاحظه بحث‌ها و مذاکرات و تاریخچه مقررات اساسنامه که در این مقاله مورد نظر ماست رجوع شود به:

P. Gargiulo, "the Relationship between the ICC and the Security Council in The International Criminal Court: Comments on the Draft Statute", sous la direction de F. Lattanzi, Napoli, 1998;

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto tra corte penale internazionale e consiglio di sicurezza per la repressione dei crimini di diritto internazionale", CI, 1999, 429 s.

قضایی است، در حالی که شورای امنیت، براساس منشور ملل متحد، یک رکن سیاسی است و مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. اما، در اغلب موارد، از دیوان خواسته می‌شود به جنایاتی که مرتبط با وضعیت‌های مطروحه در شورای امنیت هستند رسیدگی کند؛ وضعیت‌هایی که طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، تهدیدی بر ضد صلح می‌باشند.^۶

دلیل وجود چنین پیوندی باید معلوم شود. مع‌هذا مقاله حاضر محدود به مطالعه روابط کاری میان این دو سازمان می‌باشد که به طور کلی در حالات زیر قابل طرح هستند:

- شورای امنیت دارای حق ارجاع موقعیت‌هایی به دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد که تهدیدی علیه صلح یا نقض صلح، بر طبق فصل هفتم منشور دارد (ماده ۱۳ بند ب) (I).

- شورای امنیت می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای براساس فصل هفتم منشور، از دیوان تقاضای تعلیق تحقیق یا تعقیب را بنماید (ماده ۱۶) (II).

- جنایت تجاوز باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد و این امر پذیرفته شود که تعریف آن منوط به مقررۀ خاصی است (ماده ۵ اساسنامه دیوان) که دقیقاً نشان از شناخت صلاحیت شورای امنیت در این مورد

۶. در مورد سازمان ملل متحد، بخصوص منشور ملل متحد رجوع شود به: "A commentary", sous la direction de B. Simma, Oxford, 2002, P. Picone, "Interventi della Nazioni unite e diritto internazionale", Padova, 1995, S. Marchisio "L'Onu. Il diritto Nazioni Unite", Bologna, 2000; L. Forlati Picchio "Le Nazioni Unite", Torino, 2000, B. Conforti "Nazioni Unite", Padova, 2001.

در مورد اختیارات شورای امنیت به طور خاص رجوع شود به: "The Development of the Role of the Security Council: Peace - keeping and Peace - Building", sous la direction R.J Dupuy, Dordrecht, 1993, G. Arangio Ruiz "On the Security Council's «Law - making»", in *Rdint* 2000, 609 s.

دارد (III).

– همچنین باید به نقش شورای امنیت در صورت نقض تعهد از سوی دولتها در همکاری با دیوان (مواد ۸۷-۸۶) توجه شود (IV).
– بالاخره باید روابط دیوان با سایر ارکان ملل متحد، به طور خاص امکان همکاری اداری آنها با یکدیگر، امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری و همچنین روابط مالی میان سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی کیفری بررسی شوند (V).

این مقاله به طور خلاصه به بررسی موضع دیوان نسبت به نظام ملل متحد می‌پردازد، و به خصوص ماهیت و گستره اشتغال قضایی دیوان را در وضعیت‌هایی که شورای امنیت دخالت می‌کند مد نظر و تحلیل قرار می‌دهد (VI).

I- ارجاع وضعیت‌های تهدید علیه صلح یا نقض صلح به دیوان بین‌المللی کیفری توسط شورای امنیت

طبق ماده ۱۳ (بند ب) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، شورای امنیت می‌تواند، مطابق فصل هفتم منشور، وضعیتی^۷ را به دادستان آن دیوان

۷. در مورد تاریخچه مقرر رجوع شود به:

P. Garguilo, "Il controverso rapporto", précité, 434., M. CH. Bassiouni, "The Statute of the International Criminal Court. A documentary History", New York, 1999. Id., "Negotiating the Treaty of Rome on the Establishment of an International Criminal Court", in *cornell Int'l LJ*, 1999, 443.

در مورد اهمیت ارجاع وضعیت‌ها و نه موارد (ساده) به دیوان، رجوع شود به:

ارجاع دهد.^۸

کلیه وضعیت‌ها باید به گونه‌ای باشند که طبق ماده ۳۹ منشور تهدید علیه صلح یا نقض صلح، یا تجاوز قلمداد شوند.^۹ شورای امنیت نمی‌تواند وضعیتی را به صرف وجود نسل‌کشی، جنایات جنگی یا جنایات بر ضد بشریت^{۱۰} به دیوان ارجاع دهد. شورا قبل از هر چیز باید یک وضعیت عینی را احراز کند و بعد از آن است که می‌تواند ارتکاب یک یا چند جنایت را در آن (وضعیت) لحاظ نماید.

در مورد آیین رأی‌گیری در این خصوص نیز باید دانست که چون مسأله در زمره مسائل ماهوی است^{۱۱} لذا دولت‌های عضو دائم شورا از حق وتو برخوردارند.^{۱۲} از لحاظ شکلی هم فقط موافقت شورای امنیت همراه با

F. Lattanzi, "Compétence de la Cour Pénale internationale et consentement des Etats", *Rgdint*, 1999, 425 s., sp. 459.

برای نظر مخالف رجوع شود به:

L. Conderelli - S. Vilalpando, "Referral and Deferral by the Security Council", in *The Rome Statute*, précité, 627 s., sp. 632.

۸. در مورد اشتغالات و وظایف دادستان رجوع شود به:

S. Zappala, "Il procuratore della corte penale internazionale: luci e ombre", in *RDInt*, 1999, 39, *Egalement Voir infra*, S. Quattrocolo.

۹. در مورد جنایت تجاوز به مطالب بعدی رجوع شود.

۱۰. رجوع شود به:

F. Lattanzi, "compétence de la Cour", précité, 440, *egalement*, P. Mori, "L'istituzionalizzazione della giuridizione penale", précité, 223-224.

برای نظر مخالف رجوع شود به:

L. Conderelli - S. Vilalpando, "Referral and Deferral", précité, 631.

۱۱. برای دکترین در این مورد رجوع شود به:

S. Sur, "Vers une Cour pénale internationale: la convention de Rome entre les Ong et le Conseil de sécurité", in *RgdintP*, 28 s., sp. 44.

۱۲. رجوع شود به:

مدارک و سایر ادله منضم به آن^{۱۳} می‌تواند توسط دبیرکل سازمان ملل به دادستان دیوان تسلیم گردد.^{۱۴}

اعطای چنین اختیار و صلاحیتی به شورای امنیت سؤال‌های زیادی را مطرح می‌کند. در اولین مرحله مسأله برابری دولت‌ها مطرح می‌شود.^{۱۵} به عبارت دیگر، دولت‌های عضو شورای امنیت که اساسنامه را تصویب نکرده‌اند^{۱۶} در شرایط مساعدی برای متهم کردن سایر دولت‌ها قرار می‌گیرند

F. Latanzi, "Compétance de la Cour", précité, 440.

۱۳. رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 440-441, L. Condorelli - S. Vilalpando, "Referral and Deferral", précité, 642.

۱۴. در صورت عدم نتیجه قطعی می‌توان با یک اطلاع ساده به دادستان، که به او امکان شروع کار را بدهد، بسنده نمود. رجوع شود به:

L. Condorelli - S. Vilalpando, "Referral and Deferral", précité, 634.

۱۵. رجوع شود به:

B. Conforti, "I rapporti tra consiglio di Sicurezza e Corte Penal internazionale (Tavola rotonda)" in *SiDi*, cooperazione, cité, 233.

در همین راستا رجوع شود به:

N. Ronzitti, "Crimini internazionali individuali, Tribunali interni e giustizia penale internazionale", in *SiDi*, "Cooperazione", précité, 1, sp. 34-35.

در مورد مذاکرات رجوع شود به:

P. Gargiulo, "il controverso rapporto", précité, 435.

۱۶. در مورد نقش آمریکا در مورد این مقرر رجوع شود به:

S.V. Ratner, "The Relationship between the International Criminal Court and the Security Council: an appraisal to the United States position", in *SiDi*, précité, 237.

در مورد موضع آمریکا باز رجوع شود به:

R. Wedgwood, "The United States and the International Criminal Court: achieving a wider consensus through the "Ithaca Package", in *CornellInt'LL*, 1999, 535.; D. Sheffer, "The United States and the International Criminal Court", in *AmJint'LL*, 1999, 18 s., J.R. Bolton, "The Risks and the Weaknesses of the International Criminal Court from America's Perspective", in *VaJint'LL*, 2000.

بدون این که از این نگران باشند که خود نیز ممکن است در خطر چنین اتهامی قرار گیرند.^{۱۷}

در مرحله دوم، صلاحیت اولیه شورای امنیت، که سبب تسری تئوریک اساسنامه به دولت‌های غیر عضو آن نیز می‌گردد، موجب می‌شود که دیوان بین‌المللی کیفری از یک ویژگی جهانی^{۱۸} حداقل در وضعیت‌هایی که شورا به آنها رسیدگی می‌کند برخوردار گردد. این حالت مغایر اصل توافقی بودن عملکرد دیوان است^{۱۹} و به علاوه به نظر می‌رسد که به طور کلی با اصل «عدم امکان ایجاد تعهد برای ثالث بدون رضای او» (pacta tertiis nec nocent nec prosunt)^{۲۰} مغایرت داشته باشد.

نسبت به مورد اول، ماده ۱۱ بند ۲ اساسنامه دیوان پیش‌بینی کرده است که دیوان در صورتی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که یکی از دولت‌ها یا هر دو که رابطه نزدیکی با جنایت ارتكابی دارند، عضو اساسنامه

۱۷. رجوع شود به:

E. Decaux, "Actions au regard de la souveraineté des Etats et moyens d'investigation", in La Cour Pénale Internationale - Colloque droit et démocratie, Paris 1999, 77, sp. 84-85.

۱۸. در مورد ویژگی جهانی بودن دیوان رجوع شود به:

G. Danilenko, "The Statute of the International Criminal Court and third States", in *MichJint'l*, 2000, 445 s., sp. 452 et 456.

۱۹. در مورد توافقی بودن عملکرد دیوان رجوع شود به:

G. Danilenko, précité, 453, P. Picone, "Corte penale internazionale e criminal internazionale degli stati", in SIDI, précité, 63 s., sp 68.

یک مسأله دیگری که مطرح می‌شد صلاحیت زمانی ratione temporis است در این مورد رجوع شود به:

L. Condorelli, S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 634.

۲۰. رجوع شود به ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات. در این مورد رجوع شود به:

G. Danilenko, "The Statute", précité, 447-448.

همچنین در مورد آثار اساسنامه نسبت به دولت‌های ثالث رجوع شود به:

G. Palmisano, "The International Criminal Court and Third States", in *Essays*, précité, 391 s.

دیوان باشند،^{۲۱} یا صلاحیت دیوان را طبق ماده ۱۲ بند ۳ (اساسنامه آن) پذیرفته باشند؛^{۲۲} به عبارت دیگر، دیوان در صورتی اعمال صلاحیت می‌کند که صلاحیت آن از سوی دولت محل وقوع جنایت یا توسط دولت متبوع متهم پذیرفته شده باشد. برعکس، زمانی که دادستان براساس قطعنامه مصوب شورای امنیت براساس فصل هفتم عمل می‌کند هیچ شرطی پیش‌بینی نشده است. دخالت شورای امنیت نشان از اقتدار آن رکن بوده و مستقل از رضای دولت‌ها می‌باشد. شورا می‌تواند به وضعیت‌های مرتبط با دولت‌هایی رسیدگی کند که عضو اساسنامه دیوان نیستند. به همین دلیل هم هست که می‌توان گفت این مقررہ می‌تواند به اصل «رضایت» خدشه وارد کند.

برای درک روابط ماده ۱۳ و اصل کلی «عدم امکان ایجاد تعهد برای ثالث بدون رضای او» یعنی آثار این ماده نسبت به کشورهای ثالث، ارجح است که ماهیت اشتغال دیوان در حالت احاله مسأله از سوی شورای امنیت مورد توجه قرار گیرد. در واقع این مقررہ، در پیوند با مسأله صلاحیت شورای امنیت برای ایجاد محاکم بین‌المللی است. این مسأله، هم در نتیجه‌گیری و هم بعد از آن که به سایر اختیارات شورای امنیت در اساسنامه دیوان اشاره نمودیم مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین مقررہ ماده ۱۳،

۲۱. باید یادآوری نمود که دولت‌ها می‌توانند برای یک دوره هفت ساله صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به جنایات جنگی نپذیرند، در این مورد رجوع شود به:

P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 197.

۲۲. اعلامیه نزد مدیر دفتر تودیع شده است. دولتی غیر عضو که صلاحیت دیوان را پذیرفته است با آن رکن بدون هیچگونه تأخیر و بهانه‌ای طبق فصل نهم اساسنامه همکاری می‌کند. رجوع شود به:

G. Palmisano, "La nuova corte penale internazionale e il problema degli Stati terzi", in *RGCoopInt* 1999, 21 ("l'art. 12, par. 3, può a mio avviso considerarsi come stipulazione pattizia in favore di terzi").

مسأله دیگری را در ارتباط با اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان به شکل مندرج در ماده ۱۷ اساسنامه مطرح می‌کند. در حقیقت، براساس ماده ۱۸، زمانی که وضعیتی طبق ماده ۱۳ شق الف در دیوان مطرح شده باشد یا زمانی که دادستان تحقیقی را طبق ماده ۱۳ شق ج و ماده ۱۵ آغاز نموده باشد، و مراتب را به کلیه طرف‌ها و دولت‌هایی که طبق اطلاعات موجود، در اصل صالح برای رسیدگی به جنایات ارتكابی هستند اعلام کند،^{۲۳} این ماده نمی‌تواند از سوی شورای امنیت برای احاله مسأله به دیوان مورد استفاده قرار گیرد.

در واقع، بازخوانی دقیق‌تر اساسنامه دیوان امکان‌گذار از این مسأله را می‌دهد. طبق ماده ۵۳ اساسنامه، دادستان^{۲۴} به هر حال مکلف است بررسی کند که آیا قضیه طبق ماده ۱۷ قابلیت پذیرش دارد یا احیاناً می‌تواند داشته باشد.^{۲۵} به عبارت دیگر بر مبنای این مقرره، دادستان مکلف است بررسی کند که آیا «قضیه موضوع یک تحقیق یا پیگرد از سوی یکی از دولت‌های ذیصلاح در آن مورد قرار گرفته است، مگر آن‌که آن دولت

^{۲۳} در ماه بعد از دریافت ابلاغیه، دولت می‌تواند به دیوان اطلاع دهد که تحقیقی را برای جنایات مندرج در ماده ۵ اساسنامه آغاز کرده یا می‌کند. در مورد آیین آن رجوع شود به:

P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 226.

^{۲۴} رجوع شود به:

L. Condorelli - S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 633.

^{۲۵} برای یک بازخوانی محدودتر اصل تکمیلی بودن رجوع شود به:

F. Lattanzi, "Compétence de la Cour", précité, 431.

همچنین در مورد اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان رجوع شود به:

S. Brown Bartram, "Primacy as complementary: reconciling the jurisdiction of national Courts and International Criminal Tribunal", in *YaleJIntlL*, 1998, 383 s.

همچنین رجوع شود به:

P. Picone, "Corte penale internazionale", précité, 68.

اراده‌ای بر این کار نداشته یا فاقد توانایی لازم برای انجام تحقیق یا پیگرد باشد.^{۲۶} ماده ۱۹ در همین راستا تنظیم شده است.^{۲۷} این مقرر به کلیه نهادها از جمله شورای امنیت که وضعیتی را در اجرای ماده ۱۳ به دیوان ارجاع داده‌اند این امکان را می‌دهد که نظرات خود را به دیوان، که صلاحیت اعلام نظر در مورد قابلیت پذیرش آن وضعیت را طبق ماده ۱۷ دارد، بدهند.^{۲۸}

به عبارت دیگر، از طریق اصل صلاحیت تکمیلی، دیوان صالح برای

۲۶. در مورد اهمیت اجرای اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 449-450.

باز در مورد اجرای اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان در زمان احاله مسأله از سوی شورای امنیت رجوع شود به:

A. Pellet, "compétence matérielle et modalités de saisine", in La Cour pénale, précité, 41 s., sp. 53.

G.H. Oosthuizen, "Some preliminary Remarks on the Relationship Between the Envisaged International Criminal Court and UN Security Council", in Nilr, 1999, 326.

P. Mori, "L'instituzianolizzazione della giurisdizione penale", précité, 238.

برای اجرای خاص اصل صلاحیت تکمیلی رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 639.

۲۷. برای بازخوانی قاعده «اصل صلاحیت در صلاحیت» رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 64.

۲۸. در همین جهت هم شورای امنیت باید در لحظه‌ای که تصمیم می‌گیرد، اراده و توانایی دولتی را برای سرکوب این جنایات طبق ماده ۱۷ اساسنامه در نظر بگیرد. رجوع شود به:

F. Lattanzi, "Compétence de la Cour", précité, 440.

همچنین در این مورد رجوع شود به:

L. Condorelli S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 633.

برای نظر مخالف آن رجوع شود به:

P. Mori, "L'instituzionlizzazione della giurisdizione penale", précité, 238.

قضاوت در مورد مؤثر و کارآمد بودن نظام قضایی یک دولت می‌شود.^{۲۹} حال اگر در همین زمان آن دولت بخواهد به صلاحیت دیوان اعتراض کند، فقط می‌تواند بر مبنای ماده ۱۷ این کار را انجام دهد و مدعی شود که قضیه موضوع تحقیق یا پیگرد از سوی دولتی است که در آن مورد صلاحیت دارد.^{۳۰}

در این چشم‌انداز، اگر به خطر نابرابری که قبلاً به آن اشاره کردیم توجه شود، مقررره فوق می‌تواند مشوقی برای دولت‌ها محسوب شود تا آنها با تصویب اساسنامه دیوان یا حداقل همکاری با آن وارد این نظام (حقوقی) شوند.^{۳۱}

II- تعلیق تحقیق یا تعقیب به تقاضای شورای امنیت

دومین امکان مداخله شورای امنیت در دیوان بین‌المللی کیفری سبب انتقادهای شدیدتری شده است. شورای امنیت، طبق ماده ۱۶ اساسنامه دیوان،^{۳۲} می‌تواند درخواست تعلیق هرگونه تحقیق یا تعقیبی را از دیوان

۲۹. از طریق همین اصل صلاحیت تکمیلی، دیوان حتی صلاحیت بررسی توانایی و کارآیی نظام قضایی کشورهای ثالث را نیز دارد. رجوع شود به:

G. Palmisano, "La nuova Corte penale internazionale", précité, 26-27.

A. Cassese, "The Statute of the International Criminal Court: Some preliminary Reflections", in *EjintL*, 1999, 159.

30. G. Danilenko, "The Statute", précité, 449 et 479: «In such a situation, a policy of "total non cooperation" with ICC could only be counterproductive», nt. 16.

31. F. Lattanzi, "Compétence de la Cour", précité, 442.

«پذیرش اساسنامه دیوان از سوی یک دولت نه فقط بیانگر یک عمل از سوی یک تمدن بزرگ است، بلکه تقویت حاکمیت و پرستیژ آن به عنوان یک دولت حاکم و مستقل می‌باشد».

۳۲. برای تشریح این مقررره، که ناشی از پیشنهاد سنگاپور بود، رجوع شود به:

P. Gargiulo, "The Relationship", précité, 118.

بنماید مشروط بر این که این تقاضا از دیوان در قالب قطعنامه‌ای مصوب براساس فصل هفتم منشور ملل متحد باشد. با این درخواست شورا تحقیق یا تعقیب را دوازده ماه به حالت تعلیق در می‌آورد. امکان این تعلیق با همان شرایط از سوی شورای امنیت باز وجود دارد.^{۳۳}

امکان جلوگیری از فعالیت دیوان مشکل حفظ ادله را در زمان تعلیق بوجود می‌آورد،^{۳۴} بخصوص همان طور که گفتیم، این تعلیق قابل تمدید هم می‌باشد. در این حالت، مشخص نمودن کاری که دادستان می‌تواند در مدت تعلیق انجام دهد نیز حائز اهمیت است.^{۳۵}

شناخت چنین اختیاری برای شورای امنیت اصل صلاحیت تکمیلی را، که اصل محوری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است، خدشه‌دار می‌کند. مقرر ماده ۱۶ در واقع نقش برتری را برای شورای امنیت قائل است و آن

L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 645.

۳۳. در بیان تفسیر اساسنامه رجوع شود به:

The International Criminal Court, "The Making of the Rome Statute Issues, Negotiations, Results", sous la dir de R. Lee, The Hague, 1999, 143-151.

"Commentary of the Rome Statute of the International Criminal Court", sous la dir de D. Triffterer, Baden Baden, 1999.

"Reflections on the International Criminal Court Essays in Honour of Adriaan Bos", sous la dir de Hebel, Lammers, schukking, The Hague, 1999.

"The Rome Statute of the International Criminal Court", sous la dir, de M. Politi, G. Nesi, Aldershot 2001.

34. L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 641.

۳۵. در این دکتترین، تعیین نقطه شروع حرکت کار دادستان در زمان متوقف شدن رسیدگی در دیوان مورد بحث است، برای مثال دکتترین در این حالت پیشنهاد می‌کند که دادستان به گردآوری اطلاعات و تصویب تدابیر لازم در مورد قضیه بپردازد. در این خصوص رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 651, nt. 96.

به این دلیل است که هدف، حفظ صلح بین‌المللی است.^{۳۶}
 در هر حال تقاضای تعلیق نیازمند توافق کلیه اعضای دائمی شورای امنیت است. در این مورد، استفاده از وتو می‌تواند مانع تعلیق تحقیق یا تعقیب شود.^{۳۷}

باید توجه داشت که ماده ۱۶ هیچ مطلبی را در مورد آیین دادرسی مطرح نمی‌کند، همچنین قواعد آیین دادرسی و ادله چنین فرضی را پیش‌بینی نکرده‌اند.^{۳۸}

به طور خلاصه، بنا به دلایلی که ذکر آنها رفت، قدرت تعلیق، در دیوان سبب طرح سؤال‌ها و تأملات زیادی در مورد تعادلی که باید فی‌مابین

۳۶. درخصوص تفسیر مضیق این اختیار شورای امنیت و بخصوص در این جهت که دیوان امکان کنترل مشروعیت تصمیم شورای امنیت را داشته باشد رجوع شود به:
 L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 630, 632.

۳۷. رجوع شود به:

A. Pellet, "Compétence matérielle", précité, 51-52.

آلن پله بعد می‌گوید که «این قابل تصور نیست که یکی از اعضای دائمی یا شش دولت دیگر عضو شورای امنیت زمانی که رسیدگی به یکی از جنایات واقع در صلاحیت دیوان مطرح است با تصمیمی از این نوع مخالفت نکنند». او سپس با انتقاد از این مقرر می‌گوید: «پس چرا چنین مقرر غیر قابل اجرا و بدون گستره‌ای که فقط اشتغال قضایی دیوان را در مقابل به اصطلاح واقع‌گرایی از اعتبار می‌اندازد در اساسنامه پیش‌بینی شده است». همچنین رجوع شود به:

F. Lattanzi, "Compétence de la Cour", précité, 443.

M. Politi, "Il diritto unanitario alla svolta della conferenza di Roma sulla istituzione di ana Corte penale internazionale": un auspicio e un impegno dell'Italia, in SIDI, "Cooperazione", précité, 58-60.

۳۸. قطنامه مصوب براساس ماده ۱۹ فوراً توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به رییس و دادستان دیوان ابلاغ می‌گردد. رجوع شود به:

L. Condorelli, S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 646-651.

این نویسندگان معتقدند که دیوان دارای قدرت تبعیضی در این مورد نیست، مع‌هذا می‌تواند مشروعیت تصمیم شورا را به طور (ex officio) کنترل کند.

این دو نهاد برقرار گردد، می‌شود.^{۳۹}

III- توجه خاص به جنایت تجاوز

در مورد جنایت تجاوز بند یک ماده ۵ اساسنامه، حداقل از لحاظ شکلی، صلاحیت دیوان را به رسمیت شناخته است. در واقع طبق بند ۲ «دیوان صلاحیت خود را نسبت به جنایت تجاوز زمانی اعمال خواهد کرد که مقرره‌ای طبق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ به تصویب برسد و این جنایت را تعریف و شرایط اعمال صلاحیت دیوان نسبت به آن را مشخص نماید». اما و به ویژه «این مقرره باید هماهنگ با قواعد منشور ملل متحد باشد». شکل این قاعده خود ملهم از ویژگی جنایت تجاوز است. در اینجا وضعیتی مطرح است که در آن جنایت فرد به طور مطلق در پیوند با جنایت دولت است، تا حدی که جنایت دولت به عنوان شرط اساسی و اولیه (*Conditio sine qua*) برای تصدیق وجود جنایت فرد می‌باشد.^{۴۰} می‌توان در اینجا دلیل بحثی را که از یک سو مربوط به مسأله تعریف جنایت تجاوز است،^{۴۱} و از سوی دیگر، مرتبط با نقش شورای امنیت، که

۳۹. رجوع شود به:

A. Pellet, "Cométence materielle", précité, 51.

به نظر نویسنده این امکان دخالت شورا بر خلاف ابتدایی‌ترین مسائل اخلاقی است.

۴۰. رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 458., P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 157.

۴۱. برای یک ارزیابی موردی از جنایت تجاوز، با توجه به عدم وجود نشانی از آن در حقوق بین‌الملل عام و معاهدات و با عنایت به وجود قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی در مورد تعریف تجاوز، رجوع شود به:

G. Goja, "The long journey towards repressing, in The Rome statute", précité, 427 s.

مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی را طبق مفاد منشور برعهده دارد، فهمید.^{۴۲}

ماده ۵ اساسنامه با توجه به مشکلات پیش‌گفته، صلاحیت دیوان را در مورد جنایت تجاوز اعلام می‌دارد، اما این جنایت فقط با رعایت آیین پیچیده اصلاح اساسنامه به شکل مندرج در ماده ۱۲۱ (اساسنامه دیوان) تعریف خواهد شد. احاله به مواد ۱۲۱ و ۱۲۳، که مربوط به اصلاح اساسنامه می‌باشد، بیانگر این موضوع است که هفت سال آینده حداقل طول خواهد کشید تا تعریفی برای تجاوز لحاظ نمود.^{۴۳} به همین دلیل هم هست که صلاحیت تخیلی اعطایی به دیوان مطرح و مورد بحث است.^{۴۴}

در واقع، نظام موقت (به شکل پیش‌بینی شده در اساسنامه) حداقل هفت سال به طول خواهد انجامید. تصویب یک اصلاحیه هم، تابع آیین و تشریفات سختی است،^{۴۵} چون که نیازمند اکثریت دو سوم آرا و تصویب

۴۲. در مورد موضع شورای امنیت که به طور کلی تجاوز را نمی‌پذیرد رجوع شود به:

G. Goja, "The long journey...", précité, 434.

* منظور هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه است. اساسنامه از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است. (مترجم)

۴۳. در مورد جنایت تجاوز رجوع شود به:

B. Ferencz, "Getting aggressive about preventing aggression", in *Brown Journal of world Affairs*, 1999, 87 s., G.M. Donson, "Defining Substantive Crimes within the Subject Matter Jurisdiction of the International Criminal Court: What is the Crime of Aggression", in *NyshInt&ComL* 2000, 414 s., G. Venturini, "La competenza materiale della Corte", in *SiDi, "Cooperazione"*, précité, 295, sp. 297.

۴۴. در مورد مسأله تفکیک فیما بین صلاحیت دیوان و شورای امنیت رجوع شود به:

N. Ronzitti, "Crimini internazionali individuali", précité, 32.

۴۵. در مورد سختی آیین اصلاح مواد اساسنامه رجوع شود به:

E. Sciso, "I rapporti fra consiglio di sicurezza e Corte penale internazionale (Tavola rotonda)", in *SiDi, "Cooperazione"*, précité, 245, sp. 257.

۷۸ دولت است. در هر صورت، طبق بند ۵ ماده ۱۲۱، اصلاحیه فقط برای دولت‌های عضوی که آن را پذیرفته‌اند لازم‌الاجرا می‌باشد و آن هم یک سال پس از تودیع اسناد تصویب یا پذیرش خواهد بود. به علاوه اگر دولت عضوی اصلاحیه‌ای را که موضوع آن یکی از جنایات پیش‌بینی شده در اساسنامه است نپذیرد دیوان نمی‌تواند صلاحیت خود را نسبت به آن جنایت که توسط یکی از اتباع آن دولت یا در سرزمین آن دولت ارتکاب یافته است، اعمال کند.^{۴۶}

در مورد مسأله دوم پیش‌گفته، که مربوط به نقش شورای امنیت می‌باشد، ماده ۵ اساسنامه تکلیف به رعایت مفاد منشور ملل متحد را پذیرفته است.^{۴۷} اصلاحیه باید این وضعیت را هم مشخص کند، بخصوص مسؤولیت اصلی شورای امنیت را در این موضوع تضمین نماید.^{۴۸}

۴۶. برای یک نظر انتقادی نسبت به وضعیتی که ماده ۱۲۱ بند ۵ اساسنامه می‌تواند بوجود آورد، رجوع شود به:

E. Sciso, "I rapporti fra consiglio di sicurezza", précité, 263.

باز در همین مورد رجوع شود به:

G. Goja, "The long journey...", précité, 439.

در جهت مخالف، که در هر صورت قائل به حق مداخله شورای امنیت است، رجوع شود به:

P. Picone, "Corte penale internazionale", précité, 78.

۴۷. رجوع شود به:

G. Goja, "The long journey...", précité, 433 (nt. 23-25)

۴۸. در مورد حالات مختلفی که ممکن است بتوان صلاحیت دیوان را در مقابل شورای امنیت اعمال نمود رجوع شود به:

G. Goja, "The long journey...", précité, 158., nt. 33.

در این مورد می‌توان به خطر نابری فیما بین دولت‌ها نیز توجه نمود. رجوع شود به:

P. Gorgiulo, "Il controverso rapporto", précité, 468.

بالاخره، مسأله تعریف ماهیت صلاحیت دیوان باقی می‌ماند.^{۴۹} دکتربین در این مورد، با پذیرش تفاوت با سایر جنایات، قائل به صلاحیت انحصاری می‌باشد.^{۵۰}

IV- نقش شورای امنیت در صورت نقض تعهد از سوی دولت‌ها در همکاری با دیوان

رابطه دیوان و شورای امنیت با مسأله اجرای صلاحیت دیوان هم ارتباط دارد. در این مورد باید به وضعیتی فکر کرد که در آن رجوع به دیوان از سوی شورای امنیت انجام شده است و دولت‌ها از همکاری با دیوان اجتناب می‌کنند. این وضعیت می‌تواند هم شامل دولت‌های عضو اساسنامه دیوان باشد که طبق ماده ۸۶ تعهد کلی به همکاری با دیوان را دارند^{۵۱} و هم مرتبط با دولت‌های ثالث گردد. در مورد دولت‌های ثالث، به

۴۹. در مورد ملاحظات انتقادی مربوط به انتخاب انحصاری صلاحیت بین‌المللی که مبتنی بر یک معیار متفاوت بوده و ممکن است مغایر اصل *par in parem imperium non habet* باشد و به‌خصوص نتایج بسیار جدی را در روابط بین‌المللی ایجاد کند رجوع شود به:
N. Ronzitti, "Crimini internazionali individuali", précité, 25.

۵۰. رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 468.

نویسنده، به ویژه، محدود کردن اجرای اصل صلاحیت تکمیلی را در مورد جنایت تجاوز شرح می‌دهد. نویسنده همچنین با بررسی «مجموعه قواعد در مورد جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری» پیشنهاد می‌کند که صلاحیت تکمیلی فقط در مورد محاکم کشوری که می‌خواهد اتباع خود را محاکمه کند پذیرفته شود. ۵۱. اساسنامه در مواد ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۶ و ۹۹ خود اشکال مختلف همکاری با دولت‌های عضو را پیش‌بینی کرده است. در مورد تعهد دولت‌های عضو به همکاری با دیوان رجوع شود به:

D. Rinoldi - N. Paris, "International co-operation and judicial assistance between state parties and International Criminal Court", in essays, précité, 339 ss.

در مورد تعهد کلی دولت‌ها به همکاری با دیوان رجوع شود به:

Infra, M. Mattone.

طور خاص، بند ۵ ماده ۸۷ اساسنامه اشعار می‌دارد که:
 «دیوان می‌تواند از هر دولت غیر عضو اساسنامه براساس این فصل،
 طبق ترتیبات خاص یا یک موافقتنامه منعقد با آن دولت و یا به هر طریق
 مناسب دیگر، درخواست کمک کند»؛ به عبارت دیگر مبنای تعهد به
 همکاری با دیوان می‌تواند تصویب اساسنامه یا یک موافقتنامه خاص
 باشد.^{۵۲}

اجتناب از همکاری، بر حسب این که از سوی دولت عضو اساسنامه
 باشد یا از سوی دولت ثالث، آثار متفاوتی بوجود می‌آورد.^{۵۳} «اگر دولت
 عضوی، بر خلاف اساسنامه تقاضای همکاری با دیوان را نپذیرد و بدین
 ترتیب مانع اجرای وظایف و اختیارات دیوان به شکل پیش‌بینی شده در
 اساسنامه شود، دیوان می‌تواند به مجمع دولت‌های عضو اساسنامه یا به
 شورای امنیت رجوع کند. حالت اخیر زمانی ممکن است که پرونده از
 سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده باشد (ماده ۸۷ بند ۷). در مورد
 دولت غیر عضو اساسنامه، بند ۵ ماده ۸۷ اساسنامه پیش‌بینی می‌کند که

۵۲. رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 470.

به نظر نویسنده حداقل در زمانی که شورای امنیت طبق ماده ۱۳ شق ب عمل می‌کند، تعهد دولت ثالث
 به همکاری با دیوان مستقیماً از تصمیم شورا براساس فصل هفتم منشور ناشی می‌شود. برای توضیح در این
 مورد رجوع شود به:

P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 269.

در هر صورت، مقرره‌ای در مورد آیین ضروری برای انعقاد موافقتنامه وجود ندارد رجوع شود به:

L. Condorelli - X. Villalpando, "Relationship", précité, 222.

۵۳. رجوع شود به:

G. Nesi, "The obligation to cooperate with the International Criminal Court and States not Party
 to the Statute", in The Rome Statute, sous la dir. de M. polity, G. Nesi, précité, 221.

«اگر دولت غیر عضو اساسنامه با دیوان به ترتیبات خاصی رسیده یا موافقتنامه‌ای منعقد نموده است^{۵۴} اما از کمک و همکاری با دیوان، به شکل پیش‌بینی شده در آن ترتیبات خاص یا موافقتنامه منعقد، اجتناب می‌کند، دیوان می‌تواند مجمع دولت‌های عضو اساسنامه یا شورای امنیت را مطلع کند. در حالت اخیر باید پرونده از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع شده باشد. در این جا فقط مسأله اطلاع‌رسانی به این نهادها مطرح می‌باشد.^{۵۵}

پس از اطلاع‌رسانی یا احاله مسأله به شورای امنیت، شورا، طبق بند ۳ ماده ۱۷ پیش‌نویس موافقتنامه در مورد روابط دو نهاد، هرگونه اقدامی را که می‌تواند در این مورد انجام دهد از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به اطلاع دیوان (از طریق مدیر دفتر) می‌رساند.^{۵۶}

V- روابط دیوان بین‌المللی کیفری با سایر ارکان ملل متحد

اساسنامه فرض‌های دیگری در مورد روابط دیوان و سایر ارکان ملل

۵۴. رجوع شود به:

G. Polmisano, "La Corte", précité, 32.

به نظر نویسنده مقرر شده شامل دولت‌های ثالث که صلاحیت دیوان را طبق مفاد ماده ۱۲ بند ۳ اساسنامه پذیرفته‌اند نمی‌شود. این دولت‌ها همانند دولت‌های عضو لحاظ می‌شوند.

۵۵. برای یک نظر انتقادی از این مقرر رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 470.

۵۶. رجوع شود به:

L. Condorelli - S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 643.

برای یک نظر متفاوت که طبق آن شورای امنیت ممکن است بتواند هرگونه اقدام پیش‌بینی شده در منشور را انجام دهد با این نگاه که مشکل است بتوان توسل به اقدام‌های پیش‌بینی شده در فصل هفتم منشور را پذیرفت رجوع شود به:

P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 471.

متحد را لحاظ نموده است.^{۵۷}

طبق ماده ۴ پیش‌نویس موافقتنامه، دیوان می‌تواند به عنوان ناظر در کارهای مجمع عمومی سازمان ملل حضور داشته و مشارکت نماید. و به علاوه، سازمان ملل متحد می‌تواند از دیوان دعوت به عمل آورد که در گردهمایی‌ها یا کنفرانس‌های تحت نظر سازمان حضور یابد و آن زمانی است که حضور ناظران مجاز بوده و مسائل مورد علاقه دیوان به بحث گذاشته شوند.

در مورد مشارکت سازمان ملل متحد، با رعایت مقررات مربوط به آیین دادرسی و ادله، از سازمان به طور دائمی دعوت خواهد شد که در جلسات علنی شعب دیوان در مورد قضایایی که مربوط به آن سازمان است حضور به هم رساند.

سازمان ملل متحد می‌تواند ناظرانی را به گردهمایی‌های مجمع دولت‌های عضو اساسنامه اعزام نماید، و آن زمانی است که مسائل مرتبط با سازمان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. به صورت کلی‌تر، طبق ماده ۱۵ پیش‌نویس موافقتنامه، سازمان ملل متحد متعهد می‌شود که با دیوان همکاری نماید و کلیه اطلاعات یا مدارکی را که دیوان می‌تواند طبق بند ۶ ماده ۸۷ اساسنامه درخواست نماید در اختیار آن رکن قرار دهد. به ویژه، در حالتی که پخش اطلاعات، مدارک یا سایر اشکال همکاری ممکن است امنیت افراد اعزامی یا مستخدمان سازمان ملل متحد را به خطر اندازد یا به شکل دیگری امنیت یا اجرای درست هرگونه عملیات یا فعالیت سازمان را

۵۷. رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villapando, "Relationship of the Court", précité, 229-233.

دچار اختلال کند، دیوان می‌تواند، بخصوص به درخواست سازمان ملل متحد، تدابیر حمایتی مناسب را اتخاذ کند.

در مورد موضع شورای امنیت، قبلاً مهم‌ترین اختیارات آن را مورد توجه قرار دادیم. در این مورد، باز باید متذکر شد زمانی که شورا مسائلی را بررسی می‌کند که با فعالیت‌های دیوان مرتبط می‌باشند، رییس دیوان یا دادستان می‌توانند، بنا به دعوت شورا، در مقابل آن رکن اظهار نظر کرده و کمک‌های لازم در مورد مسائل واقع در صلاحیت دیوان را به آن ارائه نمایند.

باز در راستای همکاری، باید دانست که طبق ماده ۵، سازمان ملل متحد و دیوان در صورت امکان مبادرت به تبادل اطلاعات و مدارکی که دارای نفع مشترک هستند می‌کنند. طبق ماده ۶، دیوان می‌تواند، در صورتی که مناسب بداند، گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های خود را از طریق دبیرکل به سازمان ملل متحد ارائه کند.

وانگهی یادآوری امکان برقراری رابطه فی‌مابین دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی دادگستری واجد اهمیت می‌باشد.^{۵۸} در واقع، طبق بند ۲ ماده ۱۱۹ اساسنامه، مجمع دولت‌های عضو می‌تواند خود مبادرت به حل اختلافی کند یا توصیه‌هایی در مورد استفاده از سایر روش‌های حل و فصل اختلاف، از جمله ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری، را

۵۸. در مورد دلایل وجود این مقررہ رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Relationship of the Court", précité, 230.

طبق اساسنامه خود بنماید.^{۵۹}

پیش‌نویس موافقتنامه همچنین امکان همکاری نزدیک اداری را فیما بین دو سازمان پیش‌بینی می‌کند و آن عبارت است از استفاده بهینه از تجهیزات، پرسنل و خدمات یکدیگر. دو سازمان همچنین می‌توانند در مورد دارا شدن تجهیزات و پرسنل مشترک در قلمروهای خاص برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها با یکدیگر مشورت کنند (ماده ۹).

سازمان ملل متحد در نظام مالی دیوان هم مشارکت می‌کند.^{۶۰} در این مورد، نظام مالی مختلطی تصویب شده است که در آن هم دولتها و هم سازمان ملل متحد مشارکت می‌کنند. در واقع، طبق ماده ۱۱۵، هزینه‌های دیوان، از طریق مشارکت دولت‌های عضو اساسنامه و منابعی که سازمان ملل متحد، در صورت تصویب مجمع عمومی خود، به دیوان می‌دهد تأمین می‌شوند. مشارکت مالی سازمان ملل متحد به خصوص مربوط به هزینه پرونده‌هایی است که از سوی شورای امنیت به دیوان ارجاع داده می‌شوند.^{۶۱} در واقع، طبق ماده ۱۱۶، دیوان می‌تواند مشارکت‌های مالی داوطلبانه

۵۹. ماده ۱۳ پیش‌نویس اولیه موافقتنامه اشعار می‌داشت که «هر توصیه مربوط به احاله مسأله به دیوان بین‌المللی دادگستری برای دریافت نظر مشورتی باید از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجام شود که طبق ماده ۹۶ منشور نظر خود را اعلام خواهد کرد.» در مورد این مقرر رجوع شود به: L. Condorelli – S. Villalpando, "Relationship of the Court", précité, 231, nt.52.

۶۰. رجوع شود به:

G. Nesi, "The organs of the International Criminal Court and their functions in the Rome Statute. The Assembly of States Parties", in essays on the Rome Statute, précité, 233.

باز در مورد مسائل مالی و اداری دیوان رجوع شود به:

"The International Criminal Court: Observations and Issues before the 1997-1998 Preparatory Committee and Administrative and Financial Implications", sous la dir. Cherif Bassiouni, in Nouvelles Etudes Pénale 1997, 21 s.

۶۱. این یکی از آثار مرتبط با ارجاع پرونده به دیوان از سوی شورای امنیت می‌باشد.

سازمان ملل متحد را نیز دریافت کند. در هر صورت، شرایطی که طبق آن منابع مالی می‌توانند در اختیار دیوان قرار گیرند موضوع موافقتنامه‌های جداگانه‌ای می‌شوند.^{۶۲}

VI- ماهیت و گستره اشتغال قضایی دیوان در صورت دخالت شورای امنیت در این مورد ممکن است مطالبی را در مورد ماهیت و اشتغال دیوان در صورت مداخله شورای امنیت و به طور کلی سازمان ملل متحد ارائه نمود. در این خصوص دکترین دو نظریه را برای اشتغال دیوان بین‌المللی کیفری مطرح می‌کند:

- اولین نظریه، کلی و عام بوده و مبتنی بر رضای دولتهاست (به بیان دیگر، این قاعده مبتنی بر اصل انتقال صلاحیت کیفری دولتها به دیوان می‌باشد).^{۶۳}

- دومین نظریه خاص بوده و فقط فرض‌هایی را طرح می‌کند که در آنها مداخله شورای امنیت مطرح است (بنابراین این نظریه یک نوع ضمانت اجرا^{۶۴} مطرح می‌کند، ضمانت اجرایی که می‌تواند شامل دولتهای ثالث نیز

۶۲. پیش‌نویس مقررات مالی دیوان (PCNICC/2001/1/Add.2) و پیش‌نویس قطعنامه مربوط به قواعد حاکم بر مشارکت‌های داوطلبانه مالی به دیوان بین‌المللی کیفری که توسط مجمع دولت‌های عضو اساننامه در اولین گردهمایی به تصویب رسیده‌اند؛ در این مورد رجوع شود به:
P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 142.

۶۳. رجوع شود به:

P. Picone, "Corte penale internazionale", précité, 69, 73, 77.

نویسنده در این خصوص از یک الگوی افقی صحبت می‌کند.

۶۴. رجوع شود به:

P. Picone, "Corte penale internazionale", précité, 73 e 77.

گردد).^{۶۵}

آخرین مسأله یادآور بحثی است که در این دکترین در خصوص مشروعیت ایجاد محاکم کیفری خاص توسط شورای امنیت مطرح شده است.^{۶۶} اما در ورای حل این مسأله، که نمی‌توان در اینجا بدان پرداخت، ما چند پیشنهاد در مورد روابط دیوان بین‌المللی کیفری و محاکم کیفری خاص مطرح می‌کنیم.

در این چشم‌انداز، از یک سو، شق ب ماده ۱۳ ضرورت ایجاد محاکم کیفری خاص جدید را در آینده محدود می‌کند.^{۶۷} در اینجا مسأله وجود یک مقررۀ تحمیلی نیست، چونکه پر واضح است که میان اشتغالات این دو دسته محاکم تفاوت وجود دارد.^{۶۸} مع‌هذا، دلایلی منطقی منشأ این فکر

از منظری دیگر رجوع شود به:

F. Decaux, "Action au regard de la souveraineté", précité, 83.

^{۶۵} این دیدگاه به ما امکان دادن پاسخ منفی به مسأله نقض اصلی «عدم امکان ایجاد تعهد برای ثالث بدون رضای او» را می‌دهد.

^{۶۶} در مورد بحث مطروحه در دکترین رجوع شود به:

P. Mori, "L'institutionnalizzazione della giurisdizione penal", précité, 77 s.

در این چارچوب نظریه‌ای مبتنی بر اراده دولت‌ها برای مجازات جمعی مرتکبان جنایات نیز مطرح شده است، رجوع شود به:

P. Picone, "sul fondamento giuridico del Tribunale internazionale per la ex Jugoslavia", in *CI* 1997, 3.

^{۶۷} در هر صورت باید خاطر نشان کرد که محاکم خاص برای یوگسلاوی سابق و رواندا صلاحیت رسیدگی به جنایات بر ضد صلح را ندارند. رجوع شود به:

G. Gaja, "the long journey", précité, 430.

در مورد نظر موافق برای ایجاد یک دادگاه خاص در کنار دیوان بین‌المللی کیفری توسط شورای امنیت رجوع شود به:

S. Sur, "Vers une Cour pénale", précité, 44.

برای مثال می‌توان ایجاد یک دادگاه خاص برای رسیدگی به جنایت تجاوز را لحاظ نمود.

^{۶۸} در مورد روابط این دو دسته رجوع شود به:

شده‌اند که ایجاد محاکم کیفری خاص جدید دیگر دارای همان منفعت سابق نخواهد بود.^{۶۹} از سوی دیگر، نباید خطر تبدیل دیوان بین‌المللی کیفری به یک محکمه خاص دائمی در خدمت شورای امنیت را نیز نادیده انگاشت، و آن به ویژه با توجه به حق مداخله‌ای است که شورای امنیت در آن رکن دارد.^{۷۰}

"Dai Tribunali internazionale ad hoc ad una Corte permanente", sous la dir. de F. Lattanzi et E. Esciso, Napoli 1996; M. Caianiello - G. Illuminati, "From the International Criminal Tribunal of the Former Yugoslavia to the International Criminal Court", in North Carolina Journal of International law and com.

Regulation 2001, 408., S. Cerest, un Report: "The ICJ, the International Criminal Court and the Hoc Tribunals", in NJHR 2001, 911 ss.; M. Bohlander, "Possible conflicts of Jurisdiction with the ad Hoc International Tribunals, in The Rome statute", sous la dir. de A. Cassese P. Gaeta, J.R.W.D. Jones, précité, 686.

۶۹. رجوع شود به:

A. Pellet, "Compétence materielle", précité, 52.; M. Bohlander, "Possible conflicts", précité, 673; P. Gargiulo, "Il controverso rapporto", précité, 442, nt. 30; F. Pocar, "Un giudice per i crimini internazioli", in Itadio Oggi, 30. 7. 1998, 37; S. Villalpando - L. Condorelli, "Can the Security Council extend the ICC's Jurisdiction?", in the Rome Statute, sous la dir. de A. Cassese, P. Gaeta, J.R.W.D. Jones, précité, 571 s., 582: "And the succes (or the failure) of these possible future and ad hoc international criminal tribunals will certainly help to determine the evolution of the ICC".

۷۰. رجوع شود به:

P. Picone, "Corte penale internazionale", précité, 74; N. Ronzitti, "Crimini internazionali", précité, 17; M. Politi, "Il diritto umanitario alla svolta della conferenza di Roma", précité, 37. sp. 58-59; A. Pellet, "Compétence matérielle", précité, 52; E. Decaux, "Actions au regard de la souveraineté", précité, 86; L. Condorelli, "La Cour Pénale Internationale: un pas de géant (pourvu qu'il soit accompli ...)", in RgdintP, 1999, 7 s., sp. 17.

او می‌نویسد که «در واقع اساسنامه رم کاری که می‌کند قرار دادن یک دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی در اختیار شورای امنیت است». همچنین رجوع شود به:

دخالت‌هایی که تا به حال مورد بررسی قرار گرفته‌اند مسأله استقلال واقعی دیوان و توان آن در تعقیب اهداف مورد نظر اساسنامه را مطرح می‌کند.^{۷۱} به طور کلی، شورای امنیت، حداقل در برخی وضعیت‌ها، اولویت دارد؛ بخصوص با توجه به آثار ماده ۱۶ این اولویت وجود دارد، اولییتی که خود توجیه یک عدالت مؤثر، بیطرف و مستقل را به سختی مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

به عنوان نتیجه‌گیری و بدون این که بتوانیم ارزیابی از دو نکته‌ای که ذکر می‌کنیم داشته باشیم، فقط آنها را که تلاششان ایجاد نوعی تعادل فیما بین دو نظام است، مطرح می‌کنیم.

اولین نکته پذیرش اصل «صلاحیت در صلاحیت» به نفع دیوان است که می‌تواند به آن رکن امکان بررسی مشروعیت مداخلات شورای امنیت براساس مواد ۱۳ و ۱۶ اساسنامه را بدهد.^{۷۲} پذیرش چنین صلاحیتی

S. Pejic, "Creating a Permanent International Criminal Court: The obstacles to independence and effectiveness", in *ColHrlawR*, 1998, 291; P. Mori, "L'instituzionalizzazione della giurisdizione penale", précité, 193 et nt. 13-15.

۷۱. باید یک نکته دیگر را هم متذکر شد که چندان روشن نیست، و آن یک سؤال عامتری است در مورد این که آیا شورای امنیت می‌تواند به دیوان صلاحیت‌هایی را اعطا کند که اساسنامه به آن نداده یا آنها را غیر اجرائی کرده است. در این مورد رجوع شود به:

A. Pellet, "Compétence matérielle", précité, 52.; S. Villalpando – L. Condorelli, "Can the Security Council Extend ...", précité, 573 s.

نویسندگان فوق به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند. پاسخ آنها یا با توجه به اساسنامه دیوان بوده یا بر مبنای منشور ملل متحد ارائه شده است.

۷۲. برای یک دیدگاه بازتر که فقط محدود به اصل صلاحیت تکمیلی نیست، رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Referral and Deferral", précité, 640.

برای نظر مخالف رجوع شود به:

برای دیوان امکان کسب استقلال و از جهاتی برتری در مقابل شورای امنیت را به آن رکن می‌دهد.

دومین نکته در مورد محدودیت‌هایی است که می‌توانند ناشی از موافقتنامه‌ای باشند که فی‌مابین دو نهاد منعقد می‌گردد و از سوی دیوان و سازمان ملل متحد پذیرفته می‌شود.^{۷۳} بنابراین، در چنین حالتی شورای امنیت نمی‌تواند تعهدات و محدودیت‌های پیش‌بینی شده در آن موافقتنامه را نادیده بگیرد.^{۷۴}

در واقع، تمامی مسائل مطرح شده بیانگر نوعی تضاد دیالکتیکی فی‌مابین دو نهاد مختلف در درون نظام دیوان بین‌المللی کیفری است:^{۷۵} نظامی که از یک سو، چارچوب قراردادی مبتنی بر اراده دولتها دارد، و از سوی دیگر، رجوع به نظام ملل متحد را پیش‌بینی کرده است.^{۷۶}

P. Mori, "L'instituzionalizzazione ...", précité, 238-240.

۷۳. رجوع شود به:

S. Villalpando – L. Condorelli, "Can the Security Council Extend ...", précité, 57 s.

همچنین رجوع شود به:

L. Condorelli – S. Villalpando, "Relationship", précité, 227.

۷۴. رجوع شود به:

E. Decaux, "Action au regard de la souveraineté", précité, 80.

نویسنده در این مقاله نهاد سومی را پیشنهاد می‌کند که همان «کل جامعه جهانی» است.

۷۵. رجوع شود به:

S. Villalpando - L. Condorelli, "Can the Security Council Extend ...", précité, 571 s.

۷۶. این وضعیت پس از تصویب قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت مورخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۱، در پی لازم‌الاجرا شدن اسانامه دیوان مشاهده شد، در این قطعنامه شورای امنیت طبق ماده ۱۶ اسانامه اعمال صلاحیت دیوان نسبت به اعمال ارتكابی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد را به مدت ۱۲ سال به حالت تعلیق در آورد. (این قطعنامه در سال‌های بعد نیز تکرار شده است.) در این مورد رجوع شود به:

F. Lattanzi, "La Corte penal internazionale: una sfida per le giurisdizioni degli Stati", in *DPCE*, 2002, 1265, sp. 1370.